

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۴

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال سوم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۴

انتظار؛ الگوبخش سبک نوین زندگی امروزی

حسین الهی نژاد*

چکیده

نوشتار پیش رو به بیان مؤلفه‌های سبک زندگی مهدوی - که الگوبخش سبک نوین زندگی امروزی است - می‌پردازد. این نوشتار، دربارهٔ رابطهٔ سبک زندگی مهدوی با سبک زندگی منتظران در عصر غیبت بحث می‌کند و به طرح برخی از مؤلفه‌های سبک زندگی مهدوی همچون «انتظار و زندگی امیدوارانه»، «انتظار و زندگی صبورانه»، «انتظار و زندگی حکیمانه» و «انتظار و زندگی عدالت خواهانه» می‌پردازد.

واژگان کلیدی

انتظار، سبک زندگی، سبک زندگی مهدوی، زندگی امیدوارانه، زندگی صبورانه، زندگی حکیمانه، زندگی عدالت خواهانه.

* استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (Hosainelahi1212@gmail.com).

مقدمه

عبارت «سبک زندگی» به تازگی در فضای فرهنگی ایران بسامد قابل‌اعتنایی یافته و در نوشته‌ها و سخنان افراد گوناگون به چشم و گوش می‌آید. در اغلب موارد نیز بیش از آن که به مفهوم خاستگاهی اصطلاح سبک زندگی توجه شود و یا دست‌کم تعریف جدیدی از آن ارائه گردد، تلاش می‌شود به انحای گوناگون به این عبارت دامن زده و با افزودن متعلقات و موضوعات مختلف، ترکیب‌های جدید و بدیعی از آن آشکار شود. همچنین، در کاربرد مشتقات این عبارت، به طور معمول بیش از آن که به امور عینی و واقع اشاره شود، مفاهیمی انتزاعی و آرمانی لحاظ می‌شود و این رویه نیز به سهم خود در ابهام مضاعف مفهوم «سبک زندگی» تأثیرگذار است.

از جمله کاربردهای دیگر عبارت سبک زندگی در فضای فرهنگی و مذهبی، در نسبت آن با آموزه مهدویت پدید آمده است. کاربرد عبارت «سبک زندگی مهدوی» که ترکیبی از سه واژه سبک، زندگی و مهدوی است علاوه بر ابهامات کلی پیشین درباره استفاده از عنوان سبک زندگی، از مشکل دیگری نیز رنج می‌برد؛ این که قید «مهدوی» صرف‌نظر از ماهیت آن، متضمن چه معنای مشخصی است و چه تفاوت معنایی با انواع دیگر سبک زندگی در فضای اسلامی و شیعی (و به طور خاص با نمونه‌هایی چون سبک زندگی نبوی و علوی) دارد. در واقع، اگر از مرز بازی با الفاظ عبور کنیم و به کاربردهای غیرعالمانه در برخی منشورات و اعلانات بی‌توجه باشیم، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا پیروی، دلدادگی و یا انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام، پدیدآورنده سبکی خاص از زندگی است که با سایر شیوه‌ها و مسلک‌ها متفاوت بوده و چنین سبکی نسبت به سایر اولیای دین و یا دیگر اعصار تاریخی، هویت منحازی دارد؟ همچنین، می‌توان پرسید که آیا عنصر «انتظار» می‌تواند واجد تأثیری محسوس بر سبک زندگی آدمی در وضعیت کنونی که در عصر پنهانی زیستی امام هستیم، باشد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، کدام یک از عرصه‌ها و جنبه‌های زندگی محمل آن خواهند بود؟ آیا انتظار و مجاهدتی که در اثر آن پدید می‌آید، منجر به شکل‌گیری سبک جدیدی از زندگی با شاخصه‌های پویائی، بالندگی، نشاط و سلحشوری می‌شود و یا به رویکردی خمودی، ایستایی و توأم با زندگی محتاطانه و آینده‌نگرانه خواهد انجامید؟ و یا در فرض عدم تنافی این دو، چه ترکیبی را به وجود خواهد آورد؟ پرسش‌هایی از این دست، حلقه مفقوده سلسله مباحثی به شمار می‌رود که

می‌کوشند در ارتباط با پیوند مفهوم «سبک زندگی» و آموزه «انتظار موعود» آورده‌هایی را در میان گذارند؛ اگرچه بی‌توجهی به این سؤالات سبب شده تا به اکنون، تلاشی جدی در تعریف سبک زندگی منتظرانه و یا متناسب با آموزه انتظار موعود شکل نگیرد و تنها گزاره‌هایی پراکنده و غیر مرتبط زیر چتر عنوان واحدی به نام مهدویت، در برابر مخاطبان مشتاق به نمایش درآید.

مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی

انتظار

انتظار در لغت به معنای چشم داشتن، چشم به راه بودن، امید داشتن و امیدوار بودن است (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۵، ۲۱۹؛ دهخدا، ۱۳۳۴: ج ۸، ۲۹۴). در اصطلاح به معنای امید داشتن به گشایش کار و امیدوار بودن برای رسیدن فرج و تحقق رخ داد مهم و خوب، و چشم داشتن به تحقق تحول و رویدادی در آینده و در یک کلام امید داشتن به تحقق ظهور و آمدن منجی بشریت، حضرت مهدی علیه السلام است.

صاحب *مکیال المکارم* در کتابش درباره مفهوم شناسی انتظار چنین آورده است:

انتظار حالتی است نفسانی که آمادگی برای آن چه انتظارش را می‌کشیم از آن برمی‌آید و ضد آن، یأس و ناامیدی است، پس هر قدر که انتظار شدیدتر باشد آمادگی و مهیا شدن قوی‌تر خواهد بود. (موسوی اصفهانی، بی‌تا: ۴۵)

انتظار، مفهومی فطری و شهودی است که خالق یکتا در وجود همه انسان‌ها به ودیعه گذشته است. انسان بدون امید و انتظار، موجودی بی‌تحرک، بی‌مسئولیت و بی‌خاصیت است. در مقابل، انسان امیدوار و منتظر، فردی پویا، متحرک و قیام‌آفرین است. از همین روست که در احادیث اهل بیت علیهم السلام انتظار از مفهوم روحی و روانی به مفهوم عینی و عملی انتقال یافته و در میان اعمال و عبادات، برترین آن‌ها بر شمرده شده است؛ پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

۷

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۴)

برترین کارهای اُمت من، انتظار گشایش از طرف خداوند متعال است

انتظار دارای سه مؤلفه اساسی است که با این سه مؤلفه اساسی انتظار صحیح از انتظار غلط بازشناسی می‌شود و انتظار صحیح لزوماً باید همه موارد ذیل را به صورت مجموعی به همراه

داشته باشد:

۱. عدم رضایت از وضعیت موجود؛
۲. امیدوار بودن نسبت به آینده؛
۳. حرکت به سوی وضعیت مطلوب.

سبک زندگی

سبک در لغت به معنای روش، شیوه و طرز خاصی است که ابتدا در علوم ادبی و جامعه‌شناسی به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۳۴: ج ۲۸، ۲۴۸) و در لغت عرب واژه سبک مترادف با طریق، سیره، طور، سیاق است. کلمه «سیره» به معنای نوع راه رفتن و بر وزن فُعْلَة است و فُعْلَة در زبان عربی دلالت بر نوع می‌کند. واژه سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع رفتن و سبک رفتار (ابن‌منظور، ۱۴۱۶: ج ۴، ۳۹۰؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳۴۰) در واقع سبک و سبک‌شناسی همان سیره و سیره‌شناسی است (مطهری، ۱۳۷۷: ج ۱۶، ۵۰) اما واژه سبک وقتی که با واژه زندگی ترکیب می‌شود و کلمه «سبک زندگی» را به بار می‌آورد در علوم مختلف معانی متناسب با آن علوم را می‌گیرد. مثلاً در اصطلاح علوم انسانی سبک زندگی در رشته مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های هر فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنای زندگی اجتماعی او باشد و نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه است. به عبارتی سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش‌های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دارد.

مفهوم سبک زندگی از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و علم جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی است که به تازگی و در دهه اخیر بسیار مورد توجه عالمان علوم اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است. سبک زندگی معنایی است که از به هم تنیدگی و پیوند و نظام‌وارگی و شبکه‌ای بودن عوامل متعددی که در شیوه‌های زندگی یا اقلیم‌های زیستن انسان تأثیر می‌گذارند به وجود آمده است (حاجیان، ۱۳۸۷: ۴۶).

سبک زندگی نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه هویتی خاص می‌بخشد. این نظام‌واره هندسه کلی رفتار بیرونی است که افراد، خانواده‌ها و جوامع را از یکدیگر متمایز می‌کند و به آنها هویت‌هایی متمایز می‌دهد. سبک زندگی از این حیث، مجموعه‌ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد است که برآورنده حاجات و نیازهای مادی و معنوی اوست (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۷).

تقریباً در اکثر تعریف‌های سبک زندگی می‌توان دو مفهوم را یافت که در تعریف سبک زندگی در نظر گرفته شده است: و در واقع هر دو مفهوم هم به واژه سبک بازمی‌گردد: اول مفهوم وحدت و جامعیت؛ دوم، مفهوم تمایز و تفاوت. به این معنا که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورند و با همین شاکله و قالب از دیگر نظام‌ها و انجمن‌های بشری جداسازی می‌شود.

گیدنز^۱ سبک زندگی را به مجموعه‌ای از رفتار تعبیر کرده است که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد تا نه تنها نیازهای جاری خود را برآورد، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران نیز مجسم سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰).

پس سبک زندگی به مجموعه شکل گرفته از مدل‌ها، الگوها و کنش‌های منظم رفتاری که برخاسته از باورها و ارزش‌های فردی و جمعی در یک فرهنگ است، اطلاق می‌شود.

سبک زندگی مهدوی

الگوهای رفتاری و هنجارهای اخلاقی نظام‌وار منطبق با آموزه‌های مهدویت و نیز کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی منظم برخاسته از اندیشه مهدویت را سبک زندگی مهدوی گویند که وظیفه مهم مردم در عصر غیبت پیاده‌سازی این الگوها و هنجارهای اخلاقی در جامعه است تا بستر و زمینه‌سازی ظهور و رسیدن به جامعه ایده‌آل مهدوی، فراهم آید. پس جامعه منتظر با عملیاتی کردن الگوها و شاخصه‌های نظام‌وار مهدوی و با اجرایی کردن مؤلفه‌ها و ارزش‌های مهدوی در سه سطح بینش، گرایش و کنش، بستر تحقق بخشی سبک زندگی مهدوی را در جامعه مهیا می‌کنند.

اندیشه مهدویت و مؤلفه‌های الگو بخش

سبک زندگی مهدوی یک سبک جدید، کارآمد و امروزی است که در راستای نیازهای فردی و اجتماعی بشر در عصر کنونی، الگو و هنجارهای رفتاری ارائه می‌دهد و با اسلوب و شاخصه‌های کاربردی و امروزی، نیازهای اجتماعی و فرهنگی بشر را در عصر کنونی پوشش داده و با درانداختن طرح نو، زندگی امیدوارانه، زندگی صبورانه، زندگی سلحشورانه، زندگی خداخواهانه، زندگی حکیمانه، زندگی هدفمندانه و زندگی عدالت‌خواهانه را به جامعه بشری

1. Giddenz

ارزانی می‌دارد تا جامعه منتظر با خوب تمرین کردن و با خوب اجرایی کردن آنها سنبل و نماد کوچکی از سبک نوین زندگی مهدوی را به عنوان یک مدل و الگوی برتر به بشر و جوامع بشر ارائه دهد. حال در این جا به گزارش برخی از مؤلفه‌های فوق که به زندگی منتظران جلوه خاصی داده است می‌پردازیم.

انتظار و زندگی امیدوارانه

فقدان امید و امیدواری معضلی است که ذائقه زندگی انسان‌های معاصر را تلخ و مضمّن کرده است. زندگی ماشینی و صنعتی برای بشرره‌آوردی جز اضطراب، استرس و یأس به همراه نداشته و نارسایی و معضلات فراگیر اجتماعی و فرهنگی محصول همین نگرش و سبک زندگی است که دامن گیر بشر و جوامع بشری شده است. انسان معاصر به مثابه انسان سرخورده و سرافکنده از همه چیز و همه جا و با کوله باری از تجربه‌های ناموفق در دلدادگی به مکاتب و اندیشه‌های بشری و دل‌چرکین از سبک‌های زندگی مدرنیت و پسا مدرن، به دنبال سبک زندگی جدید و نوینی است تا با فائق آمدن بر این ناملایمات و ناهنجاری‌های رفتاری، فرایند امید آفرینی را به جای نامیدی و یأس، و اطمینان‌سازی را به جای اضطراب و استرس، و بالندگی را به جایی خمودی و ایستایی تجربه نماید. بر این اساس پیامبرگرامی اسلام ﷺ در بیانی جامع و کامل به درمان این معضل و مشکل پرداخته و علاج آن را خوب زندگی کردن و امیدوارانه زیستن در گنار باورداشت انتظار توجیه نموده است:

انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَى اللَّهِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ. (حرانی، ۱۰۶:۱۴۰۴)

در این روایت، پیامبرگرامی اسلام ﷺ به صورت کلی و فراگیر همه مردم را مورد خطاب و توصیه خویش قرار داده که اولاً، در امورات فردی و اجتماعی به شاخصه‌های امید و امیدواری مزین باشند؛ ثانیاً، از رحمت الهی در گشایش کارها ناامید نباشند؛ ثالثاً، بدانند که شاخصه امید و امیدواری از محبوب‌ترین اعمال نزد پروردگار است؛ رابعاً، به عالی‌ترین و بهترین امیدواری که همان انتظار فرج امام زمان ﷺ است معتقد و پای‌بند باشند. یعنی ضروری است این شاخصه به صورت یک فرهنگ غالب و فراگیر در همه سطوح زندگی نظیر فردی و اجتماعی و در همه ابعاد زندگی نظیر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... و در همه حوزه‌های زندگی نظیر منزل، مدرسه، بازار و ... اجرایی و عملیاتی شده و به منزله یک شاخص فراگیر و همگانی در

همه ابعاد و زوایای جامعه نهادینه شود.

امید با دو رویکرد عام و خاص توجیه می‌شود؛ رویکرد عام یعنی فراخی و گشایش در مطلق امور و رویکرد خاص یعنی فراخی و گشایش در امر خاص که همان ظهور و آمدن منجی است. بر این اساس در روایت فوق پیامبرگرامی اسلام ﷺ ابتدا به رویکرد عام که وظیفه همه معتقدان به دین و خداست اشارت داشته و هر کسی که اعتقاد به خدا و دین آسمانی دارد را مورد خطاب و توصیه خویش قرار می‌دهد؛ ولی در رویکرد خاص، جامعه خاص مورد نظر است و مقصود از جامعه خاص، مسلمانان و باورمندان اسلامی هستند که به ظهور و آمدن حضرت مهدی ﷺ اعتقاد دارند. البته شاخصه امید در سلسله فرایند خودش تشکیک‌پذیر است؛ یعنی مقوله امید دارای مراتب و درجات حداقلی و حداکثری است که حداقلی آن، امیدواری در امورات جزئی، فردی و مادی است که در واقع مراتب پایین امید و کف آن تلقی می‌شود؛ ولی حداکثری امید، امیدواری در امورات کلی، اجتماعی، مادی و معنوی است که در واقع مراتب عالی و بالای امید بوده و مصداق کامل و اتم آن نیز انتظار فرج حضرت مهدی ﷺ است. انتظاری که سامان بخش امورات دینی و دنیایی مردم در مقولات فردی و اجتماعی، مادی و معنوی بوده و نویدگر زندگی خوب و متعالی همراه با عبادات و معنویات است. طبیعی است وقتی که مراتب عالی انتظار و امید در جامعه بارور شده و در میان اقشار مردم به صورت فراگیر احیاء شود و این نگرش انتظاری در همه سطوح جامعه و آحاد مردم اشاعه و نهادینه شود، به طور طبیعی در امورات پایین دست و کارهای فردی و جزئی نیز این شاخصه گسترش پیدا می‌کند؛ زیرا «چو صد آمد نود هم پیش ماست». از این روست که حضرات معصومین علیهم‌السلام اصل اعتقاد به انتظار فرج مهدی علیه‌السلام را گشایش و فراخی در همه امورات زندگی و نیز پویایی و بالندگی در همه سطوح جامعه می‌دانند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِحَ عَنْهُ بِإِنْتِظَارِهِ؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۳۰)

هر کس این امر را بشناسد، انتظار آن، برای وی گشایش و فرج است.

در روایتی از حضرت رضا علیه‌السلام نیز درباره فرج پرسش می‌شود که چه زمانی رخ خواهد داد؟

حضرت می‌فرماید: خود انتظار فرج، گشایش و فرج است:

سَأَلْتُهُ عَنْ شَيْءٍ مِنَ الْفَرَجِ فَقَالَ أَلَيْسَ أَنْتَ تَنْتَظِرُ الْفَرَجَ مِنَ الْفَرَجِ. (مجلسی، بی‌تا: ج ۵۲، ۱۳۱)

پس انتظار از جمله وظایف مهمی است که یک مسلمان معتقد به رحمت و عنایت الهی،

بدان ملتزم بوده و آن را به طور صحیح در جامعه، خانواده و خویشان پیاده‌سازی می‌کند. البته انتظار با دو رویکرد ایجابی و سلبی قابل تقسیم است در رویکرد سلبی، نقش انتظار، نقش تخریبی و غیر سازنده است که محصول آن خمودی و ایستایی است که نصیب باورمندان این نگرش می‌شود. اما انتظار ایجابی و مثبت، انتظاری است که قرآن، روایات و عقل سلیم آن را تأیید کرده و نقش آن مثبت و سازنده بوده و محصول آن، سازندگی و اصلاح‌گری و نیز هدایت‌گری به سوی جامعه ایده‌آل مهدوی است. آری، این نوع انتظار که به نوعی بستر ساز امید و امیدواری در جامعه است دارای گستره وسیع و پردامنه‌ای است که همه قلمروهای زندگی منتظران را شامل می‌شود و همه دقایق زندگی مردم را فرا می‌گیرد. پس انتظار سازنده که از آن به انتظار پویا و بالنده تعبیر می‌کنند در همه زوایا و سطوح زندگی باورمندان رسوخ کرده و همه ساعات و لحظات زندگی آنها را دربر می‌گیرد. از این رو این نوع انتظار و امیدواری را انتظار و امیدواری لحظه‌ای و فراگیر تعبیر می‌کنند؛ یعنی فردی که معتقد به رحمت و عنایت خداست، هر روز و شب و هر لحظه به گشایش کار از ناحیه خدا امیدوار است (فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً) در سخت‌ترین شرایط و غامض‌ترین مشکل باز دست از رحمت الهی برنداشته و در هیچ شرایطی تن به سقوط و ناامیدی نمی‌دهد.

چنان که امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

إِذَا فَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَمَا يَعْلَمُوا مَكَانَهُ وَهُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَنْ تَبْطَلَ حُجَّةَ اللَّهِ وَلَا مِيثَاقَهُ فَعِنْدَهَا فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً؛ (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۳۱)

هنگامی که مردم حجت خدا را از دست بدهند؛ و او برای آنها آشکار نشود و از نظر آنها غایب گردد، و آنها ندانند جای او کجاست، و با این وصف می‌دانند که سفرای الهی و نشانه‌های حق، از میان نرفته است. در آن موقع صبح و شام منتظر فرج و ظهور باشید.

باز امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ يَوْمًا لَا تَرَى فِيهِ إِمَامًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَأَجِبْ مَنْ كُنْتَ نُحِبُّ وَ أَبْغِضْ مَنْ كُنْتَ تُبْغِضُ وَ وَاإِلٍ مَنْ كُنْتَ تُوَالِي وَ انْتَظِرِ الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۵۸)

به طور کلی امید و امیدواری با دو رویکرد عام و خاص قابل توجیه است رویکرد عام به معنای فراخی و گشایش مطلق امور است و رویکرد خاص به معنای گشایش امر خاص، یعنی ظهور و آمدن منجی بشریت حضرت مهدی علیه السلام.

انتظار و زندگی صبورانه

از جمله درس‌ها و پیام‌هایی که می‌توان از انتظارگرفت درس طمأنینه و صبوری است؛ یعنی فرد منتظر باید به شاخصه اطمینان و بردباری رسیده و آن را در خویشتن، خانواده و جامعه نهادینه‌سازی نماید؛ زیرا در دوران غیبت و پنهان‌زیستی امام، مشکلات و معضلات فراوانی از نوع فرهنگی، دینی و اجتماعی دامن‌گیر جامعه باورمندان مهدوی می‌شود و بی‌تردید با آمدن امام و رهبر جهانی معضلات و مشکلات متنوع به دیار عدم رخت برپسته و آسایش، رفاه و هنجارها جایگزین می‌شود و بشر و جوامع بشری در مسیر خوب زیستن و به زندگی کردن قرار می‌گیرند. حال اگر منتظران نسبت به رسیدن این روز فرخنده و مطلوب که شادی و نشاط را به ارمغان می‌آورد و همه مردم از فرا رسیدن آن خوشحال و خرسند می‌شوند، عجله و بی‌حوصلگی به خرج دهند، بی‌تردید با این شتاب‌زدگی و عجله‌کاری نه تنها به مقصود و هدف خود که همان گشایش، آسایش و فرج باشد نمی‌رسند؛ بلکه به سوی خلاف آن هدف که همان ازدیاد معضلات و مشکلات باشد سوق پیدا می‌کنند؛ زیرا گشایش و فرج هر امری تابع شرایط و قواعدی است که بستر ساز تحقق آن امر است و در این میان تفاوتی ندارد که آن امر، امر دنیایی باشد یا دینی، بزرگ باشد و یا کوچک، مادی باشد یا معنوی. این قاعده و قانون در مورد مهم‌ترین امر دنیا و آخرت یعنی امر ظهور نیز ساری و جاری است. باورمندان مهدوی که به خدا و رحمت او امیدوارند باید بدانند که در امر ظهور و گشایش کارها یک سری شرایط و بستریهای اساسی دخیلند که باید آنها از پیش مهیا و آماده باشند تا ظهور و گشایش رخ بنماید. از این رو نباید مصرانه به دنبال ظهور بوده و آن را با عجله و شتاب تعقیب نمایند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام در رابطه با آیه شریفه «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» فرمودند:

هُوَ أَمْرُنَا أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا تَسْتَعْجِلَ بِهِ؛ (همو: ۱۹۸)

امر خدا همان امر ماست که خدای عز و جل امر فرموده است که در آن باره شتاب نشود.

باز امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ مِنْ اسْتِعْجَالِهِمْ هَذَا الْأَمْرَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعِبَادِهِ إِنْ هَذَا الْأَمْرُ غَايَةٌ يَنْتَهَى إِلَيْهَا فَلَوْ قَدْ بَلَغُوا لَمْ يَسْتَقْدِمُوا سَاعَةً وَ لَمْ يَسْتَأْخِرُوا؛ (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۳۶۹)

همانا مردم از شتاب‌زدگی برای این امر به هلاکت رسیدند، خدا به خاطر شتاب مردم شتاب نمی‌کند، برای این امر موعد و غایتی است که بدان می‌رسد، اگر مردم به آن برسند، یک ساعت جلو و عقب ندارد.

باز امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال مهزم که از طولانی بودن ظهور می پرسد می فرماید:

يَا مَهْزَمُ! كَذَبَ الْمُتَمَنُّونَ وَهَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَحَجَا الْمُسْلِمُونَ وَإِلَيْنَا يَصِيرُونَ؛ (نعمانی،
۱۳۹۷: ۱۹۸)

ای مهزم! آرزومندان دروغ گفتند و شتاب کنندگان هلاک شدند و تسلیم شدگان نجات یافتند و به سوی ما باز خواهند گشت.

در روایتی حضرت رضا علیه السلام صبر را قرین و رفیق انتظار دانسته و زیبایی و کمال صبر را با باورداشت انتظار توجیه نموده است:

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ! أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ﴿وَارْتَبِعُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾،
﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾؟ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۵)

چقدر صبر و انتظار فرج خوب است! آیا نشنیدی گفته خدای عزو جل را: «انتظار برید که من هم با شما انتظار برنده‌ام»؟ بر شما باد که صبر کنید.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید:

انْتَظِرُوا الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَهُ. (قاضی قضاعی، ۱۳۶۱: ۱۶)

بی تردید سفارش‌های بسیاری از جانب حضرات معصومین علیهم السلام در خصوص صبر و انتظار شده و تأکیدات جدی در روایات پیرامون ترابط و تعامل آن دو به میان آمده است، به طوری که اصل زیبایی و کمال صبر با وجود انتظار، و اصل کاربرد و کارکرد انتظار در کنار صبر توجیه پذیر شده و همچنین به سبب اهتمام این تعامل و ترابط، مقولات صبر و انتظار از حوزه رفتاری به حوزه عبادی انتقال یافته و جزو بهترین و برترین عبادات دانسته شده است. بی تردید همه این موارد به خاطر این است که منتظران بدانند که در عصر غیبت با معضلات و مشکلات عدیده ربه‌رو می‌شوند و عبور از آنها بدون ابزار صبر و بردباری میسر نیست و به خاطر همین فزونی و ازدیاد سختی‌ها و مشکل بودن حرکت در این مسیر، حضرات معصومین علیهم السلام همواره به مردم عصر غیبت، درس صبوری و مقاومت و مشق بردباری و سخت‌کوشی می‌دهند.

پس تمرین زندگی صبورانه و مشق سخت‌زیستی، یکی از وظایف مهم مردم در عصر غیبت است؛ یعنی منتظران واقعی باید در امور دنیا صبر و بردباری را پیشه خود ساخته و از شتاب‌زدگی و عجله‌کاری که عامل سقوط و هلاکت بشر و جوامع بشری است اجتناب نمایند. به ویژه در مورد مهم‌ترین کار در عصر غیبت که همان رخداد ظهور است، بی تردید یک فرد منتظر باید بداند که در این عصر که با پنهان‌زیستی امام روبه‌روست چه وظیفه و رسالتی دارد و باید بداند

که رسالت اصلی و واقعی او حرکت کردن در مسیر اهداف و غایات متعالی نهضت جهانی است که در این خصوص با پیاده سازی الگوها و ارزش های سبک نوین زندگی مهدوی در جامعه و با نهادینه کردن آنها در همه سطوح و زوایای زندگی و گسترش آنها در میان همه اقشار و آحاد مردم در مسیر زمینه سازی ظهور گام بردارد و غایت و نهایت کار که همان رخداد ظهور است را به خدا واگذار نموده و در این خصوص شتاب زدگی به خرج ندهد.

چنان که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در مورد زندگی صبورانه مردم آخرالزمان می فرماید:

سَيَأْتِي قَوْمٌ مِّنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ خُنُّ كُنَّا مَعَكَ يَبْدُرُوا أَحَدٌ وَخَنِينٌ وَنَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَوُحَمَلُوا لِمَا حُمِلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُ؛ (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۱۴۹)

مردمی بعد از شما خواهند آمد که یک مرد آنها ثواب پنجاه نفر از شما دارند. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! ما در جنگ بدر و احد و حنین در رکاب شما پیکار کرده ایم و قرآن در میان ما نازل شده است (یعنی چطور می شود که مردمی بیابند که یک نفر آنها ثواب پنجاه نفر ما را داشته باشند؟) فرمود: آن چه را آنها متحمل می گردند اگر شما ببینید، نمی توانید مانند آنها صبر کنید.

انتظار و زندگی حکیمانه

یکی از الگوها و ارزش های سبک زندگی مهدوی حکمت و عقلانیت است. حکمت و عقلانیت ابزار و راهکار مهمی است که به انسان خوب زیستن را می آموزد.

رسول گرامی اسلام ﷺ می فرماید:

اسْتَرِشِدُوا الْعَقْلَ تَرْشِدُوا وَلَا تَعْصُوهُ فَتَنْدَمُوا؛ (سیوطی، ۱۴۲۳: ج ۶، ۱۰)

از عقل راهنمایی بجویید، تا راهنمایی شوید و از آن نافرمانی نکنید که پشیمان می شوید.

حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده است:

كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْصَحَ لَكَ سَبِيلَ غَيْبِكَ مِنْ رُشْدِكَ؛ (شریف رضی، ۱۳۸۱: ح ۴۲)

از عقل تو را همین اندازه کافی است که راه را از بی راهه نشانت دهد.

عقل و حکمت در مقولات متنوعی تقسیم می شوند؛ نظیر عقل نظری، عقل عملی^۱، عقل

۱. عقل نظری به نیرویی گفته می شود که در وجود انسان قرار داده شده و انسان به وسیله آن، به دنبال کسب معرفت و شناخت می رود. به تعبیر دیگر، عقل نظری از مقوله علم و معرفت است و با هست و نیست و بود و نبود اشیاء سر و کار دارد و به وسیله آن، جهان بینی و معرفت نسبت به مبدأ و معاد حاصل می شود. عقل عملی در قبال عقل نظری

ابزاری^۱ و خود عقل نظری نیز به حکمت نظری و حکمت عملی قابل انقسام است (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۱۵). سیستم نظام جهانی مهدوی که سبک زندگی مهدوی را به نمایش می‌گذارد و به گونه‌ای الگوبخش سبک نوین زندگی در عصر غیبت است، همه تنوعات و تقسیمات عقلانیت و حکمت را در میان مردم عصر ظهور رشد و تعالی بخشیده و زندگی حکیمانه و عقلانی را در همه سطوح و زوایای زندگی اجتماعی و فردی، و مادی و معنوی گسترش می‌دهد. عقلانیت و حکمتی که سبک زندگی مهدوی برای مردم به ارمغان می‌آورد از نظر گستره و قلمرو و از نظر کاربرد و کارکرد به طوری است که بشر در طول تاریخ اجتماعی آن را تجربه نکرده است.

عقل نظری در نظام مهدوی

امام باقر علیه السلام در مورد رشد عقل نظری در عصر ظهور می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ؛

(راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۸۴۰)

هنگامی که قائم ما قیام کند، دست شریفش را بر سر بندگان گذارد تا خرده‌های آن‌ها بیشتر شده و فکرشان کامل گردد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره فرموده است:

يُغَبِّقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ؛ (شریف رضی، ۱۳۸۱: خ ۱۵۰)

مردم عصر ظهور شام گاهان و صبح گاهان حکمت سر می‌کشند، یعنی در همه طول روز و شب به دنبال تعالی و رشد عقلانیت هستند.

واژه «غَبِيق» (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۱۰، ۲۸۱) به معنای نوشیدن شراب در عصر و «صَبُوح» (همو: ج ۲، ۵۰۴) به معنای نوشیدن شراب در صبح است.

نوشیدن حکمت در صبح و شام به این معناست که مردم عصر ظهور در کل روز و شب حکمت و علم می‌آموزند. به تعبیر دیگر، به حدی علم آموزی فراگیر می‌شود که در همه ساعات چه روز و چه شب، یعنی در همه شبانه روز مردم در حکمت و علم آموزی به سر می‌برند.

است و موضوعات آن غیر از موضوعات عقل نظری است. عقل عملی درباره موضوعاتی بحث می‌کند که بر اساس اراده انسان شکل می‌گیرد؛ مانند بایدها و نبایدها، مسائل اخلاقی، حقوق فردی و اجتماعی و مقررات و نظام‌های بشری... (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۱۵).

۱. جهت‌گیری اصل عقلانیت ابزاری تسلط آدمی بر طبیعت است. فرانسیس بیکن با رویکرد بر این معنا در کتاب *نو/رغنون* گفته است: دانایی، توانایی است (فروغی، ۱۳۸۱: ۴۹). به دیگر سخن، عقل ابزاری در جهت‌دهی انسان در امور مادی و هر چه بیشتر بهره گرفتن از طبیعت به کار انسان می‌آید.

امام صادق علیه السلام در مورد رشد معرفت و علمیت مردم عصر ظهور می فرماید:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى
الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْحُمُسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَصَمَّ
إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى بَيَّبَتْهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا؛ (مجلسی، بی تا، ج ۵۲، ۲۳۶)

علم و دانایی از بیست و هفت حرف تشکیل شده است، همه آن چه پیامبران آورده اند دو حرف است و مردم، بیش از دو حرف علم تاکنون نشناخته اند، آن گاه که قائم قیام نماید بیست و پنج حرف دیگر را ظاهر سازد و میان مردم گسترش دهد تا در مجموع بیست و هفت حرف گسترش پیدا کند.

عقل عملی در نظام مهدوی

پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره زندگی مردم عصر ظهور و رشد عقل عملی در میان شان می فرماید:

وَيَذْهَبُ الزَّيْنِيُّ وَشَرِبُ الْحَمْرِ وَيَذْهَبُ الرِّبَا وَيَقْبَلُ النَّاسُ عَلَى الْعِبَادَاتِ وَتُؤَدَّى الْأَمَانَاتُ وَ
تَهْلِكُ الْأَشْرَارُ وَيَبْقَى الْأَخْيَارُ؛ (المقدس: ۴۴)

در دوران بعد از ظهور روابط نامشروع، مشروبات الکلی و رباخواری از بین برود و مردم به عبادت و اطاعت روی می آورند، امانت ها را به خوبی رعایت می کنند، اشرار نابود و افراد صالح باقی می مانند.

در این باره امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال یکی از اصحابش می فرماید:

أَمَّا حُبُّونَ أَنْ يُظْهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَقُّ وَالْعَدْلُ فِي الْبِلَادِ وَيَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُؤَلِّفَ
اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ وَلَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَرْضِهِ؛ (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۳۳۳)

مگر نمی خواهید که خدای تبارک و تعالی حق و عدل را در شهرها ظاهر سازد و همگان را به یک کلمه گرد آورد، دل های پراکنده و پریشان را الفت بخشد و مردم در روی زمین گناه و معصیت نکنند.

از جمله شاخصه های مهم جامعه منتظر الگوگیری و تأسی پذیری از جامعه منتظر است و در واقع جامعه منتظر برگرفته از جامعه منتظر و حرکت کننده در مسیر آن است. با نظر به قانون سنخیت و قانون تشابه که همیشه میان مشبهه و مشبهه به رابطه و تناسب برقرار است، پس باید میان جامعه منتظر و جامعه منتظر از نظر شاخصه، سبک و روش زندگی تناسب و سنخیت برقرار باشد. از این رو وقتی که جامعه مهدوی را یک جامعه عبادی و خدا پرست، جامعه دینی و خدا محور، جامعه پاک و گناه گریز، جامعه عقلانی و حکمت پذیر، جامعه علمی و

معرفت طلب، جامعه متحد و انسجام‌گرا و... می‌بینیم و این شاخصه‌ها را جزو شاخصه‌های اساسی سبک زندگی مهدوی دانسته و نظام زندگی مهدوی را با آنها شناسایی، معرفی و توجیه می‌نماییم، پس باید همین شاخصه‌ها و همین سبک و همین روش در جامعه منتظران در افق پایین‌تر اجرایی و عملیاتی شود و باید قانون سنخیت و تشابه در این جا به کار گرفته و تک‌تک شاخصه‌ها و الگوهای جامعه مقصد در جامعه مبدأ پیاده‌سازی شوند و باید منتظران با ارزش‌ها و شاخصه‌های فردی و اجتماع زندگی مهدوی آشنا و آراسته باشند. از این رو جامعه مهدی‌باور در عصر غیبت به نوعی گزارش‌گر و تصویرگر شمه و نمایی از سیستم و نظام جامعه مطلوب مهدویت بوده و با ارائه مدل و سبک زندگی جدید و ترویج و اشاعه آن برای بشر و جوامع بشری الگوی نوینی ایجاد می‌نمایند. در نتیجه باید گفت که سبک زندگی منتظران در دوران غیبت در افق پایین‌تر، همان سبک زندگی مهدوی است و الگوها و ارزش‌های آنها نیز همان الگوها و ارزش‌های نظام زندگی مهدوی است.

بر این اساس می‌توان ادعا نمود که منتظران در سیاق زندگی خود از هواهای نفسانی و شیطانی به دور بوده‌اند؛ پس دارای زندگی پاک و بی‌گناهی هستند و از تشمت و چند دستگی به دورند؛ پس دارای زندگی متحد و منسجم هستند و از تکبر و غرور در برابر خدا به دورند؛ پس در زندگی پای بند به عبادت و بندگی هستند و در زندگی بصیرت و درایت به خرج داده‌اند؛ پس دارای زندگی حکیمانه و عقلانی خواهند بود.

و در آخر باید گفت منتظران در زندگی خویش خدا را در همه حالات و شئون زندگی مد نظر داشته‌اند؛ پس محبوب و مقرب درگاه حق تعالی هستند؛ چنان که حضرت صادق علیه السلام در حدیثی به این نکته اشارت داشته و نزدیک‌ترین حالت یک انسان به خدا و رضایت‌مندترین زمان یک انسان به خدا را معطوف به عصر غیبت و منتظران دانسته است که با اعتقاد به انتظار و پای بندی بدان باورداشت انتظار در میان آنها جزو باورهای اصلی و مهم تلقی می‌شود:

أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا فَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَلَمْ يَعْلَمُوا بِمَكَانِهِ وَهُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا بَيِّنَاتُهُ؛ (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۳۱)

نزدیک‌ترین و پسندیده‌ترین حالت بندگان به خدای تعالی آن‌گاه است که حجت خدا غایب گردد و بر بندگان آشکار نباشد و مکانش را ندانند ولی در عین حال بدانند که حجت‌ها و بیّنات الهی هیچ وقت باطل نمی‌شود.

انتظار و زندگی عدالت خواهانه

عدالت از جمله اهداف مهم نهضت جهانی مهدوی است؛ یعنی در سیستم نظام جهانی مهدوی اجرای عدالت در همه سطوح نظیر عدالت در حوزه تمدنی، حوزه فرهنگی، حوزه سیاسی، حوزه اقتصادی و به طور کلی در همه حوزه‌های تعاملاتی بشر و نیز در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی بشر نظیر روابط فردی و روابط خانوادگی و روابط محیطی و... تحقق پیدا می‌کند. از آن جایی که زندگی بشر دارای تنوعات و گستره وسیع، و دارای ابعاد و زوایای گوناگونی است، عدالت مهدوی همه این گستره‌ها، قلمروها، تنوعات و ابعاد زندگی را درنوردیده و همه آنها به رنگ زیبای عدالت منقش می‌شوند. پس از جمله مؤلفه‌های مهم سبک زندگی مهدوی عدالت خواهی و عدالت طلبی است. بی‌تردید مؤلفه عدالت را نمی‌توان از سبک زندگی مهدوی جدا کرد؛ زیرا مهم‌ترین و بارزترین شاخصه در میان شاخصه‌های سبک زندگی مهدوی، شاخصه عدالت خواهی مهدوی است. از این رو از همه حضرات معصومین علیهم‌السلام درباره شاخصه عدالت خواهی مهدوی، روایت نقل شده است و همه آنها به نوعی به این موضوع پرداخته و آن را جزو اهداف مهم نهضت جهانی مهدوی برشمرده‌اند. در کتاب *مسند احمد* از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عَشْرَتِي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا؛
(ابن حنبل، بی‌تا؛ ج ۳، ۲۸)

مردی از عترت و اهل بیت من قیام می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌نماید، بعد از آن که از ظلم و دشمنی پر شده باشد.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

الْحَادِي عَشْرِينَ مِنْ وَلَدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ (کلینی، ۱۳۶۲؛ ج ۱، ۳۶۸)

یازدهمین فرزندم مهدی است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.

امام باقر علیه‌السلام فرموده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَعَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ؛ (مجلسی، بی‌تا؛ ج ۵۲، ۳۵۱)

هنگامی که قیام کننده اهل بیت علیهم‌السلام قیام کند، به صورت مساوی تقسیم می‌کند و در میان رعیت، به عدالت رفتار می‌نماید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

أَمَّا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحُرُّ وَالْقُرَى (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۵۹)

به خدا قسم که عدالت خود را در درون خانه‌های مردم وارد می‌کند؛ همان گونه که سرما و گرما داخل می‌شود.

امام رضا علیه السلام فرمود:

يُظَهِّرُ اللَّهُ بِه الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظَلَمٍ وَهُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتْ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۲)

خدای متعال به وسیله مهدی زمین را از هر جوروی پاک و مطهر گرداند و از هر ظلمی پاکیزه و مقدس سازد، و او آن کس است که شک کنند مردم در ولادت او، و او قبل ظهورش دارای غیبت است و هنگامی که ظهور نماید زمین را به نور خود روشن گرداند و میزان عدل را در میان مردم بر پا می‌کند. پس هیچ کسی بر کس دیگر ظلم نمی‌کند.

کثرت و فراوانی روایات در خصوص عدالت خواهی امام مهدی علیه السلام به حدی است که اندیشمندان و عالمان اسلامی در این مورد - یعنی در خصوص صدور روایات از حضرات معصومین علیهم السلام - ادعای تواتر کرده‌اند.

حال وقتی که به جایگاه والا و اهتمام ویژه عدالت در سیستم و نظام جهانی مهدوی واقف شدیم و دانستیم که عنصر عدالت و اجرای آن از جمله اهداف مهم این نظام بوده و با سبک زندگی مترقی مهدوی قرین و هماهنگ است، قاعده تشابه و قاعده تناسب حکم می‌کند که میان جامعه منتظر که به عنوان جامعه مبدا و تأسی کننده و جامعه منتظر به عنوان جامعه مقصد و تأسی شده، سنخیت و هماهنگی رویکردی و کارکردی برقرار باشد؛ یعنی جامعه منتظر در کسب شاخصه‌ها و ارزش‌ها مثل عدالت خواهی و عدالت طلبی متناسب با جامعه منتظر تلاش و کوشش نماید و در این فرایند همگام با جامعه الگو به رشد و تعالی خود برای رسیدن به جامعه مطلوب ادامه دهد و این شاخصه و ارزش را در همه سطوح و ابعاد زندگی منتظران اجرایی و عملیاتی نماید. پس جامعه منتظران باید افراد آن همگی عدالت خواه، عدالت جو و عدالت طلب باشند و همه باید در روابط فردی و اجتماعی بر اساس عدالت خواهی با یکدیگر معاشرت و تعامل نمایند و همه باید در نظام خانوادگی، مدرسه، کوچه، بازار و... این معیار و اصل را مد نظر داشته باشند تا با اشاعه و ترویج فرهنگ مهدویت، بستر تحقق سبک زندگی

مهدوی در جامعه منتظران فراهم شود و با نهادینه شدن سبک زندگی مهدوی، زمینه‌سازی ظهور تحقق پیدا کرده و در نهایت شاهد رخداد عظیم ظهور باشیم.

نتیجه‌گیری

«خوب زیستن» و «به زندگی کردن» یکی از خواسته‌های وجدانی و فطری بشر است. انسان‌ها در طول تاریخ همیشه تلاش‌ها و کوشش‌های خود را جهت نیل به این هدف متعالی تنظیم نموده‌اند. ظهور و بروز دین و شرایع الهی، و نیز ادیان و مکاتب بشری همه و همه به نوعی به دنبال برآورده کردن این نیاز بشری بوده و برنامه‌ها و قوانین ارائه شده از ناحیه آنها نیز در این راستا توجیه می‌شود. بی‌تردید از آن جایی که خدا، آفریننده بشر است و همیشه آفریننده و خالق یک چیز، بیشتر به زوایای پنهان و آشکار آن چیز آگاهی دارد. پس لازم و ضروری است خالق، پروردگاری و پرورش بشر را به عهده بگیرد. از این رو برنامه‌ها و قوانین آسمانی که از جانب خدا در قالب شرایع آسمانی ارائه می‌شوند می‌تواند بهترین و برترین برنامه و قوانین زندگی باشد و بشر از طریق این قوانین و برنامه می‌تواند به بهترین و برترین سبک زندگی نیل آید. نکته قابل ذکر این‌که بر اساس داده‌های تاریخی، برنامه‌های شرایع آسمانی در یک فرایند صعودی و رو به تکامل بر بشر نازل شده است و علت آن نیز رشد و تعالی سبک زندگی، و تنوع‌طلبی و پیچیدگی روابط اجتماعی بشر بوده است. بی‌تردید هرچه بشر از آفرینش اولیه خود فاصله گرفته و بیشتر در فراز و فرودهای تاریخی قرار گیرد، نوع زندگی و روابط اجتماعی آن نیز پیچیده‌تر و دقیق‌تر شده است. در راستای این نیاز، سیر نزول برنامه‌های آسمانی نیز از ساده‌ترین شریعت که با بعثت انبیای گذشته آغاز گردیده به پیچیده‌ترین و عالی‌ترین شریعت که شریعت اسلامی باشد منتهی شده است و در میان شریعت اسلامی نیز به واسطه پیچیدگی و متنوع شدن روابط اجتماعی مسلمانان و متنوع شدن نیازهای زندگی آنها، سبک و روش‌های گوناگون و متنوعی نظیر سبک زندگی نبوی، سبک زندگی علوی و سبک زندگی مهدوی بروز پیدا کرده است. البته همه این روش‌ها و سبک‌ها، در قالب درون‌مایه اسلامی و بن‌مایه محمدی تنظیم شده و همه آنها بر محور دین و منطق اسلامی توجیه می‌شوند، ولی به سبب بروز نیازهای جدید و پیچیده‌تر شدن شیوه‌های زندگی و روابط اجتماعی، نیاز به سبک و سیاق جدید و کارآمد است تا مسلمانان به بهترین وجه به نیازهای زندگی فردی و اجتماعی خود برسند. از این رو می‌طلبید در عصر حاضر که عصر غیبت و پنهانی زیستی امام زمان علیه السلام است

بهترین و کارآمدترین شیوه و سبک زندگی - یعنی سبک زندگی مهدوی که نسخه تامه و کاملی از سبک زندگی نبوی و علوی است - به جوامع بشری عرضه شود تا زندگی اجتماعی بشر معاصر در پرتو مهدویت و آموزه‌های آن نظیر انتظار از خمودگی، بی‌هویتی، بی‌هدفی، استرس‌زایی و نامیدی به سوی زندگی هدفمند، زندگی پویا، زندگی بالنده، زندگی عقلانی و در یک کلام به سوی زندگی خدایی سوق پیدا کند.

منابع

- ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا)، *مسند احمد*، بیروت، دارالصادر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی - مؤسسه التاریخ العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶ش)، *حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه*، قم، اسراء.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷ش)، *الگوهای سبک زندگی ایرانیان*، تهران، معاونت پژوهش های فرهنگی و اجتماعی.
- حرانی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴ش)، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۳ق)، *الدر المنثور*، بیروت، دارالمعرفة.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۸۱ش)، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه انتشارات میراث ماندگار، چاپ شانزدهم.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱ش)، *همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)*، قم، معارف.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیه، دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، *اعلام الوری*، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ سوم.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران، انتشارات مرتضی.
- فروغی، محمد علی (۱۳۸۱ش)، *سیر حکمت در اروپا*، تهران، زوار.
- قاضی قضاعی، محمد بن سلامه (۱۳۶۱ش)، *شهاب الاخبار*، تهران، علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، *الکافی*، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸ش)، *تجدد و تشخیص*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- مجلسی، محمد باقر (بی تا)، *بحار الانوار*، تهران، اسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ش)، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- مقدسی، یوسف بن یحیی (۱۳۹۱ق)، *عقد الدرر*، قاهره، مکتبه عالم الفکر.
- موسوی اصفهانی، سید محمد تقی (بی تا)، *مکیال المکارم*، بی جا، بی نا.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران، نشر صدوق.

